

(Jurisprudential-legal review of the age of criminal development in the Islamic Penal Code of 1392 in Iran)

Ali Bahraminezhad ^{1✉}  | Faezeh Jafarian ²  | Alireza Mohammad beyki ³ 

1. **Corresponding Author**, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, ali.bahrami_nejad_maquniye@iauctb.ac.ir
2. Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Faeze.ja72@gmail.com
3. Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. a.khortab@gmail.com

Article Info	ABSTRACT	
Article type: Research Article	The purpose of this research is to investigate the jurisprudential-legal age of criminal development in the Islamic Penal Code of 2012 in Iran, which deals with various aspects of this issue by using library and documentary sources and relying on the descriptive-analytical method. According to the rule of sharia regulations and rules on the subject laws and the legislator's compliance with the famous opinions of Iran's laws, the age of sharia maturity is the basis for determining the age of criminal responsibility for children and adolescents, which in the laws after the revolution, this age is 9 full lunar years for Girls and 15 full lunar years for boys. As a result, reaching maturity does not mean reaching criminal growth and a certain age must be determined for criminal growth; up to children who have legally reached the age of puberty, but do not have criminal development; Do not be persecuted and punished unnecessarily. The Islamic Penal Code approved in 1392 has adopted a new criminal policy for people under eighteen years of age and has provided for lesser punishments than for adults, but the most important initiative of the legislator is related to the inclusion of the condition of growth and completeness of mind for the application of limited punishments and It is retribution.	
Article history:		
Keywords: <i>age of criminal development</i> <i>age of puberty</i> <i>Islamic Penal Code ۱۳۹۲</i> <i>Intellectual development</i> <i>alternative punishments.</i>		
Cite this article: Bahrami nezhad, Ali; Jafarian, Faeze; and Majmadbiki, Alireza (1403). Jurisprudential-legal review of the age of criminal development in the Islamic Penal Code of 2013 in Iran. Jurisprudential research. Doi: https://orcid.org/JORR-202408-1009507 (R2)		
		
© Author: Ali bahrami Nezhad , faeze Jafarian, Ali mohamad beyki. Publisher: University of Tehran Press. DOI: https://orcid.org/JORR-202408-1009507 (R2)		

بررسی فقهی - حقوقی تشخیص سن رشد کیفری در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در ایران

علی بهرامی نژاد^۱ | فائزه جعفریان^۲ | عیضا محمدی^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: ali.bahrami_nejad_maquuniye@iauctb.ac.ir
۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: Faeze.ja72@gmail.com
۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: a.khortab@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	تغییراتی که در مورد حقوق کودکان و دادگاه‌های اطفال در حیطه بین‌المللی انجام شده اند، سن را معیاری برای مجازات کردن افراد و کودکان قرار داده اند که موضوعی مهم است. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی با استناد به مقالات و منابع کتابخانه‌ای تشخیص سن رشد کیفری در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در ایران را از نظر فقهی حقوقی مورد بررسی قرار دادیم. نشان داده شد با اینکه در کلام فقهای پیشین سن بلوغ شرعی سن مسئولیت کیفری محسوب می‌گردد، ولی با بررسی بیشتر آیات قرآن کریم و فتوای فقهای معاصر متوجه می‌شویم سن رشد و مسئولیت کیفری متفاوت از بلوغ شرعی است. ولی به دلیل اینکه بیشتر این دو مورد هم‌زمان باهم حادث می‌گردیدند سن بلوغ شرعی برای اماره‌ای بر مسئولیت کیفری انگاشته گردید با اینکه امروزه سن بلوغ شرعی نمی‌تواند مبنایی برای مسئولیت کیفری باشد بنابراین قانون‌گذار در قانون جدید شرط رشد و کمال عقل را پیش‌بینی نموده که امری فرعی بر قاعده در است شبهه موجود در این مورد شبهه در رشد و کمال عقل نیست.
تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها سن رشد کیفری سن بلوغ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رشد عقلی مجازات جایگزین	

استناد: بهرامی نژاد، علی؛ جعفریان، فائزه؛ و محمدی، عیضا (۱۴۰۳). بررسی فقهی - حقوقی تشخیص سن رشد کیفری در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در ایران. پژوهشهای فقهی.

Doi <https://orcid.org/JORR-202408-1009507> (R2)



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

Doi: <https://orcid.org/JORR-202408-1009507> (R2)

مقدمه

برای تعیین ملاک در مورد مشخص کردن حد تحمل مجازات و مسئولیت کیفری، اول باید تعیین کنیم که چه مشخصاتی در انسان بوجود می آید که به عنوان فردی بالغ، قابل بازخواست است و اگر مرتکب جرائمی بر خلاف قوانین و مقررات شود هم مسبب تحمل مجازات بوده و هم می توان با در نظر گرفتن شرایط موجود در وی به طور معقول انتظار داشت که انجام مجازات در وی مؤثر بوده و سبب اصلاح کردن فرد می گردد (شایگان فرد، صفاری، ۱۳۹۲: ۱). تغییراتی که در حقوق کودکان در حیطه بین المللی در دهه های اخیر انجام شده اند و سن را معیاری برای حکم مجازات افراد و کودکان قرار داده اند موضوعی مهم است. روند بین المللی در این حیطه افزایش حداقل سن مسئولیت کیفری و کیفیت دادگاه های ویژه اطفال در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال و مشخص کردن ۱۸ سالگی برای سن بزرگ سالی را نشان می دهد (روحانی و همکاران ۱۳۹۱: ۶۱).

از مسائل مهم حقوق کیفری ایران و سایر کشورها سن رشد و مسئولیت کیفری می باشند که همواره به وسیله صاحب نظران نقد و اعتراض می گردند و همچنین میان فقهای مذاهب اسلامی اختلاف نظر وجود دارد؛ ون بیشتر دختر و پسرهایی که به بلوغ جنسی و شرعی می رسند از نظر عقلی و فکری رشد لازم را در مورد مسایل کیفری پیدا نمی کنند مثل اینکه در ماده ۹ ق.م.ا. ایران سن مسئولیت کیفری را ماده سن بلوغ شرعی در نظر گرفتند که این مطلب برگرفته از فقهای شیعه در ۱۲۱۰ ق.م. است که در آن برای پسران ۱۵ سال سن تمام قمری است و برای دختران ۹ سال تمام قمری در نظر گرفته شده است. براساس مطالب مطرح شده سؤال تحقیق این می باشد که آیا تطبیق دادن سن مسئولیت کیفری با سن بلوغ شرعی مسیله ی صحیحی است؟ آیا در این مورد تعیین سن بلوغ مسئله ای تبعیدی یا تکوینی می باشد؟ سن بلوغ به صورت تدریجی یا دفعی می باشد؟ از لحاظ تعداد نصاب های سنی تعیین شده در کودکان و نوجوانان برای داشتن مسئولیت های کیفری و مدنی و تفاوت بین این نصاب های سنی، اختلاف در مسئله تعیین مسئولیت حقوقی در حکم دادن قضایی شده است. مثلاً بر اساس قوانین یک دختر ۱۳ سال یا پسر ۱۵ سال می تواند با توجه به قوانین ازدواج نماید، اما در مورد مسائل تصرف در امور مالی یا اقامه دعوی برای استیفای حق خود از جمله مهریه یا دادخواست طلاق یا صدور اظهارنامه و ... تا ۱۸ سالگی از نظر قانونی و عدم رشد موانع دارد و در دفاتر اسناد رسمی سن ۱۸ سال معیار تنظیم اسناد و انجام دادن معاملات لحاظ می گردد. همچنین دختر یا پسر نمی توانند تا ۱۸ سالگی گواهینامه رانندگی بگیرند؛ زیرا این استدلال وجود دارد که هنوز از نظر رشد کامل نیستند و تعادل بین قوای عقلی، عاطفی و جسمی ندارند ولی اگر این افراد در سن ۹ سالگی برای دختر یا ۱۵ سالگی برای پسر خلاف های کیفری انجام دهند، مجازات خواهند شد، زیرا قانون انتظار دارد که مانند یک فرد بزرگ سال بیندیشد و رفتار خود را کنترل نماید.

آمارهای بین المللی بیان می کنند که باوجود توسعه فناوری و پیشرفت اوضاع اجتماعی، ارتکاب افعال مجرمانه مانند قاچاق مواد مخدر، اعمال ضرب و جرح، قتل، جرائم جنسی، سرقت های مسلحانه و... در کودکان و نوجوانان افزایش یافته و مصیبت بزرگی دامن گیر نظام اجتماعی می باشد. همچنین در ایران آمارهای قابل توجهی از گسترش یافتن جرائم و جنایت اطفال منتشر گردیده که بیانگر قرار گرفتن کشور در معرض مخاطرات اجتماعی می باشند و عمده این مشکلات به دلایل عدم وجود امنیت اقتصادی و اجتماعی برای کودکان و زنان است (محمد بیکی، اسدی، الهوئی، ۱۴۰۱: ۲۹-۲۸).

پرسش مهم این است که از نظر فقهی این اشخاص در حیطه امور کیفری مانند امور مدنی تحت حمایت حقوقی هستند و مسئولیت کیفری ندارند؟ با توجه به مطالب فوق، در این پژوهش به بررسی چالش‌های تشخیص سن رشد کیفری از دیدگاه فقه و نظام حقوق ایران می‌پردازیم.

تعریف مسئولیت کیفری

واژه مسئولیت در لغت به معنی بازخواست شدن و مسئولیت کیفری به معنی بازخواست کردن مجرم می‌باشد؛ و از نظر حقوقی مسئولیت به معنی ملزم شدن مجرم برای تحمل کردن نتایج قانونی می‌باشد. جرم آن است و منظور از نتایج، مجازات و انجام اقدامات تأمینی است (زراعت، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱). انتساب دادن فعل یا ترک کردن فعل مجرمانه به شخص یا اشخاصی که بوسیله انجام دادن خلاف به قوانین جزایی گاهی با موضوع مباشرین و گاهی با موضوع شرکا و معاونین عمد و خطا شرایط بیشتری را حکم می‌دهند و توان تحمل این را دارند که حکم و انجام اعمال تأمینی و تربیتی را در به دلیل انجام دادن خلاف فعل و یا ترک آن خلاف خود انجام دهند (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

اساس تعریف مسئولیت کیفری در این پژوهش بدین ترتیب است که؛ "قابلیت انتساب دادن فعل یا ترک کردن فعل مجرمانه به شخص یا اشخاصی که با انجام دادن جرم، برابر شرایط قانون، واجد شرایط مجازات مقرر باشند" می‌باشد.

اهلیت کیفری و اهلیت جنایی

اهلیت کیفری در مورد وضعیتی روانی بیان می‌گردد که فرد با عبور کردن از انجام توانایی قصد خلاف، آن تکامل عقلانی را دارد که می‌تواند از لحاظ اجتماعی خلافش را تشخیص دهد و با وارد شدن به مرحله تشخیص، اجرای مجازات را بفهمد. پس اجرای کیفری را براساس مسئولیت کیفری می‌شود تشخیص داد. اهلیت جنائی، شرایطی را عنوان می‌کند که فرد علاوه بر عامل مادی، از نظر عامل روانی خلاف را انجام داده باشد و شرایط بیرونی خلاف که به دو عامل متکی بیان شده است، کاملاً از طرف او محقق گردد. اهلیت جنائی، مرتبه‌ای از رشد عقلانی می‌باشد که فرد قادر به تشخیص دادن ماهیت افعال خود و نتیجه طبیعی آنان باشد (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۳).

اهلیت کیفری شرایط ویژه‌ای می‌باشد که هر زمان در شخص ایجاد گردد، می‌توان آن را مجازات نمود. این شرایط با ارکان تخلف متفاوت است؛ زیرا در مورد جرم نمی‌باشد، اما مربوط به مرتکب کننده تخلف می‌باشد. اهلیت کیفری جنبه‌ی بالقوه مسئولیت کیفری و تحمل کردن مجازات، جنبه بالفعل آن است، ولی اهلیت جنایی به معنای میزان اهمیت ارتکاب تخلف و تحقیق کردن آن می‌باشد؛ یعنی وضعیتی که در شخص باشد؛ تا بشود او را مرتکب تخلف بیان نمود (زراعت، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵). اهلیت جنائی درجه‌ای از رشد عقلانی است که در آن فرد توانایی تشخیص دادن ماهیت و آثار افعال خود را دارد.

تعیین سن مسئولیت کیفری صغیر در قانون جزای ایران

در نظام حقوق کیفری ایران، سن مسئولیت کیفری اطفال همیشه اصلاحاتی داشته است و قوانین با گذشت زمان، تحولات بسیاری را قبل و پس از انقلاب گذراندند. مطالعه سیر تاریخی، باعث می‌گردد تا پژوهش بتواند به چگونگی تصویب قانون در دیدگاه تاریخ‌نگاهی بیندازد و محاسن و معایب قانون را ارزیابی کند.

قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴

قانون مجازات عمومی به صورت ۲۸۰ ماده در سال ۱۳۰۴ تایید شد و در آن شرایطی برای مسئولیت کیفری اطفال تعیین شدند که با توجه به قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه بودند. تعیین مسئولیت کیفری اطفال خلافکار، براساس مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ آورده شد. بر طبق ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، تخلفات اطفال بر طبق سن آنان به سه گروه سنی تقسیم گردید.

گروه اول؛ اطفال غیر ممیز نابالغ بودند که سن آنان کمتر از ۱۲ سال بود. این گروه از هر نوع مسئولیت کیفری مبرا بیان شدند اما مراجع مکلف به اخذ التزام برای تأدیب و مواظبت در حسن اخلاق با تسلیم کردن کودک بزه کار به والدین بودند. نتیجه این ماده این طور بیان می گردد که طفل زیر سن ۱۲ سال دارای قوه تمیز و رشد نمی باشد و دلیل بر علیه کودک آن را واجد شرایط مسئولیت کیفری نمی کند.

گروه دوم؛ اطفال ممیز نابالغی می باشند که سن آنان بیش از ۱۲ سال و کمتر از ۱۵ سال می باشد. براساس ماده ۳۵ قانون مجازات عمومی، اطفال ممیز نابالغ مرتکب شونده با تخلفی از نوع جُنحه یا جنایت سن آن ها ۱۵ سال نباشد ولی بالای ۱۲ سال باشد، حکم ۱۰ تا ۱۵ ضربه شلاق صادر می شود و بیشتر از ۱۰ شلاق نباید انجام شود. شرایط مسئولیت کیفری سن بلوغ برای این ماده در نظر گرفته نمی شود؛ اما در این ماده شرایط قوه تمیز و تشخیص که مطرح شده بود سبب حکم شلاق برای طفل غیر ممیز نابالغ می شد.

گروه سوم؛ اطفالی بودند که بالای ۱۵ سال ولی ۱۸ سال نداشتند. بر اساس ماده ۳۶ قانون مذکور، اگر افراد فوق، مرتکب جنایت گردند مجازات آنان حبس در دارالتأدیب می باشد که بیشتر از ۵ سال نبود. مجازات تخلفی از نوع خلاف جنحه، به صورت کمتر از یک دوم حداقل و بیشتر از یک دوم حداکثر حکم خلاف آن جنحه در نظر گرفته نمی شد. تعیین کردن دارالتأدیب سبب ایجاد مشکلات زیادی برای آن دولت شد که این مسئله سبب شد در سال ۱۳۳۸، قانونی برای تشکیل دادن دادگاه اطفال بزه کار را تایید شود.

قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب ۱۳۳۸

قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، اولین تجربه از قانون گذاری ایران بود. این قانون اشکالات بسیاری داشت که با مرور زمان و پس از تحولات اجتماعی و صنعتی کشور و خطر افزایش یافتن بزه کاری به ویژه در کودکان و نوجوانان، باعث گردید که در شیوه های جدید قانون گذاری تجدیدنظر انجام گردد. پس از آن در آذرماه سال ۱۳۳۸، قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه کار تصویب گردید، اما چون در این قانون در ماده یک مطرح شده بود. "... در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت تعیین شده در فصل چهارم این قانون ایجاد نشده براساس قانون مجازات عمومی تعیین حکم می شوند". این قانون به دلیل فقدان وجود قانون اصلاح و تربیت در شهرها بلا اجرا ماند (نعمی، ۱۳۸۲: ۵).

سن مسئولیت کیفری اطفال از نظر قانون اصلاحی مجازات عمومی ۱۳۵۲

قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۲، تغییری در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ بود. در بند ۲ ماده ۳۳ این قانون سن بلوغ در آن، ۱۸ سال تمام در مورد خلاف مسئولیت کیفری تعیین شد که این ماده به دلیل اثرپذیری از روان شناسی بود. در ماده ۳۳ این قانون، تشکیل دادن دادگاه اطفال بزه کار، مأخذ مهم رسیدگی کردن به تخلفات اطفال بود.

تعیین سن مسئولیت کیفری اطفال پس از انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب، براساس مطالب فقهی اسلام تغییرات مهمی در مورد مسائل حقوقی و قضایی ایران انجام شد.

تعیین دادگاه‌های عمومی

تبصره ماده ۱۲ قانون تعیین شدن دادگاه‌های عمومی، که در ۱۳۵۸/۷/۱۰ تأیید شد مطرح کرد: خلاف های اطفال در دادگاه جزا با ترتیب آورده شده در قانون تعیین دادگاه اطفال خلافکار، بررسی می شوند. بنابراین این قانون، اجرای تعیین شدن دادگاه اطفال خلافکار را تأیید می نمود اما بعد از دو سال این قانون کناره گذاشته شد.

مقررات آیین دادرسی کیفری

براساس ماده ۱۹۴ آورده شده در مقررات آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۶۱ تأیید شد تعیین دادگاه‌های کیفری به صورت ۱ و ۲ شدند. اما این قانون، قوانین شکلی قانون تعیین شدن دادگاه اطفال بزه کار مصوب شده در سال ۱۳۳۸ را نسخ کرد.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱

در این قانون، معیار سن بلوغ شرعی، با ضابطه تمیز جایگزین گردید. نظام مسئولیت کیفری تدریجی برکنار شد و مسئولیت کیفری جهشی مصوب گردید. در این قانون طبقه بندی اطفال انجام نشده و همچنین گروه هایی که به صورت فقهی عنوان شدند در مورد اطفال در مباحث ممیز، غیر ممیز و مراهق دقت نکردند. در بعضی مقررات این قانون در مورد حکم اطفال قربانی خلاف مانند تبصره ۲ و ۱ ماده ۲۱۱ ق.م.ا. در حیطه اکراه بودن در قتل و ماده ۳۰۶ ق.م.ا. بین اطفال ممیز و غیر ممیز تفاوت آورده است. در ماده ۲۶ این قانون، بر اساس ضابطه بلوغ شرعی سن مسئولیت کیفری بدون تعیین کردن سن خاصی عنوان شده است.

این ماده مطرح کرده است: اطفال که مرتکب خلافی شدند مسئولیت کیفری در موضوع آن خلاف ندارند و حکم آنان با واگذاری به خانواده اطفال و کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد.

تبصره ۱: در این تبصره برای مسئله طفل کسی است که سن بلوغ شرعی ندارد.

درباره این که چه کسی طفل در نظر گرفته میشود، نظرات بسیاری وجود دارد. در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ ماده ۱۲۱۰ ق.م. به طور آزمایشی تغییر کرد، اماره رشد ۱۸ سال مندرج شده در آن را نسخ کردند و سن بلوغ را در به طور تبصره الحاقی جایگزین کردند.

رویه قضایی در مورد ربط دادن تبصره ماده ۱۲۱۰ ق.م. به ماده ۲۶ قانون در موضوع حکم دادن برای آنها مبهم بود؛ بنابراین برای این ابهام از حکم شورای عالی قضایی استفاده شد: "آیا براساس صراحت ماده ۱۲۱۰ تغییر داده شده ق.م. و تبصره ۱ آورده که در آن ۹ سال قمری برای سن مسئولیت کیفری و حقوقی و عبادی برای جرائم است یا باید سن بالاتری داشته باشند؟".

با توجه به تبصره یک ماده ۲۶ قانون درباره حکم خلاف، طفل سن بلوغ ندارد و با توجه به تبصره یک ماده ۱۲۱۰ ق.م. سن بلوغ در پسران ۱۵ سال و در دختران ۹ سال در نظر گرفته شده است.

بنابراین این شورا در مورد این موضوع را تایید کرده و این قانون رد شد. مسئله وحدت رویه شماره ۶ در مقام رفع اختلاف بین قضات در مورد صلاحیت دادگاه کیفری ۱ و ۲ در بررسی کردن به جرائم اطفال و نوجوانان در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۲۳ در دیوان عالی کشور تایید شد زیرا قضات در مورد خلاف طفل نابالغ با توجه به ماده ۲۶ ق.م.ا حکم دادگاه‌های کیفری ۲ را با صلاحیت انحصاری در نظر می‌گرفتند. هیئت وحدت رویه دیوان عالی کشور براساس این رأی عنوان کرد: «درباره جرائم ارتكابی بوسیله اطفال، مقررات شکلی درباره بزرگسالان در دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ رعایت شود» و این رأی مهر تأییدی از طرف سیاست جنایی قضایی ایران در مورد طومار طولانی دادرسی در مورد نوجوانان ایران بود. سن مسئولیت کیفری کودکان در ماده ۱۴۷ قانون مجازات ۹۲ همچنان حاکم می‌باشد که بر طبق بلوغ جنسی می‌باشد (سوادکوهی، ۱۳۸۸: ۲۴۶ - ۲۵۴).

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

درباره سن مسئولیت کیفری اطفال، ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۷۰، با تکرار کردن مفاد ماده ۲۶ قانون مجازات ۶۱ همان مسیر پیشین را ادامه داده است. این قانون، بر سن ۹ سال قمری برای دختران و سن ۱۵ سال قمری برای پسران به عنوان سن مسئولیت کیفری تأکید می‌نماید؛ اما این نظام با اینکه در تخلفات مستوجب اعمال قصاص، دیات یا حکم تعزیرات اجرا می‌شود ولی در حدود، سن بلوغ برای انجام حکم حد، کافی نمی‌باشد و با رسیدن به بلوغ، تأیید عقل، اختیار و آگاه بودن در مورد حکم و موضوع به طور شرط بیان گردیده است. مواد ۶۴ ق.م. (زنا)، ۱۱۱ ق.م. (لواط)، ۱۳۰ ق.م. (مساحقه)، ۱۳۶ ق.م. (قوادی)، ۱۴۶ ق.م. (قذف)، ۱۶۶ ق.م. (شراب)، بند الف ۱۸۹ ق.م. (محاربه)، ۱۹۸ ق.م. (سرقت)، ناظر به این مدعا می‌باشند.

اما باید توجه نمود؛ منظور از عاقل در این شرایط، حالتی در برابر جنون می‌باشد و جنون به هر درجه رافع مسئولیت کیفری می‌گردد. در ادامه به نقد کردن ماده ۴۹ می‌پردازیم.

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی درباره مسئولیت کیفری اطفال آورده شده است: "اگر اطفال مرتکب جرم شوند، مسئولیت کیفری ندارند و تربیت آنان، با توجه به حکم دادگاه، بر عهده خانواده اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال است."

تبصره ۲ در ماده فوق، میزان و مصلحت را برای شرایط اطفال بزهکار ضروری بیان کرده است.

قانون‌گذار در این ماده اطفال را از مسئولیت کیفری مبرا دانسته و فاقد اهلیت کیفری می‌داند و بر اساس این ماده نباید هیچ مجازاتی را برای طفل حکم داد و در مورد اشاره تنبیه بدنی به میزان و مصلحت، تأکید این ادعا می‌باشد. در این شرایط، قاضی صالح به تعیین کردن میزان و مصلحت طفل بر طبق نوع جرم و شخصیت و سن آن می‌باشد؛ بنابراین، ماده ۴۹ قانون مجازات، اعمال هر مجازاتی را برای اطفال چه ممیز و چه غیر ممیز مجاز نمی‌داند اما قانون‌گذار در برخی از شرایط، برای اطفال مجازات تعزیری مشخص نموده است.

مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ در قانون مجازات اسلامی به حکم تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق طفل حکم داده است. پرسش مهم این می‌باشد که چنانچه طفل مبرا از مسئولیت کیفری است؛ پس چرا قانون‌گذار با وضع کردن مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ تعارض واضحی با ماده ۴۹ در قانون مجازات اسلامی ایجاد کرده بود؟ شاید بتوان این گونه پاسخ داد که مواد فوق هیچ نوع تعارضی با هم ندارند چون با توجه به ماده ۱۶ در قانون مجازات اسلامی، تعزیر این طور تعریف گردیده است: تأدیب و یا عقوبتی می‌باشد که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نگردیده و از نظر حاکم واگذار شده است.

بر این اساس حکم تعزیر و میزان شلاق در مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ در قانون مجازات اسلامی، جنبه تأدیبی می‌باشند، نه جنبه عقوبتی. به بیان دیگر با وجود ماده ۱۶ هماهنگی میان مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۴۹ قانون مجازات سال ۱۳۷۶ ایجاد می‌گردد. در پاسخ به این شرایط این طور بیان می‌گردد که ماده ۱۲ در قانون مذکور، تعریضات را یکی از اقسام پنج گانه مجازات می‌داند و اشکال فوق از بین نمی‌برد چون بر طبق ماده ۱۲، تعزیر یک قسم از مجازات می‌باشد؛ بنابراین، تعارض واضح مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ با ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۷۰، همواره برقرار می‌باشد.

ادله فقهی ناظر بر رشد در مسئولیت کیفری

رشد جزایی از نگاه فقها

یکی از مباحث بسیار مهم در حقوق کیفری اسلام تأثیر رشد جزایی در مسئولیت کیفری است و همانطور که بیان شد تنها برخی از فقها در ادوار مختلف بلوغ و رشد جزایی را همزمان برای پذیرش مسئولیت نام کیفری شرط می‌دانند. علامه حلی در تحریر الاحکام در بیان شرایط قصاص به شرط رشد تصریح کرده و عنوان کرده که خلاف قتل‌های طفل چه عمد یا چه خطا به صورت خطا محض در نظر گرفته شود و عاقله باید دیه آنرا بپردازد، و این حکم تا زمانی است که سن خافکار مذکور به ۱۵ سال و سن خلافاکار مونث به ۹ سال برسد و آن زمان درباره هر دو مورد شرط رشد برای حکم آنها در نظر گرفته می‌شود یعنی بالغ و رشید باشند (علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۴۲). همچنین در مورد موضوع حکم حد لواط اجرای حد قتل بر فاعل و مفعول را با شرط اینکه بلوغ و رشد آنها بررسی شود مطرح کردند (همان، ص ۲۲۴). فاضل هندی شرط حکم حد بر فاعل و مفعول لواط را مسئله تعیین رشد در کنار بررسی مسئله بلوغ خلافاکار در نظر گرفته است (فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۲، ص ۴۰۷). برخی از فقهای معاصر نیز شرط مسئله رشد کیفری را برای حکم مسئولیت کیفری در حدود و قصاص عنوان کردند. مثل: مکارم، که اثبات شرط رشد را اختصاص در مورد مسائل مالی مطرح نکرده و عنوان کرده که در حکم دادن مسائل کیفری علاوه بر بلوغ شرعی باید رشد کافی نیز در نظر گرفته شود یعنی اجرای مجازاتهای عقلانی می‌باشد.

دلیل نقلی

از نظر دین اسلام ملاک مسئولیت انسان و توجه تکالیف و خطابات شارع مقدس، عقل اوست که منظور از آن قوه تشخیص و تمیز انسان است و به وسیله آن حقایق اشیا و واقعیت امور و حسن و قبح اعمال و آنچه که به خیر

و صلاح است درک میشود؛ همچنان که در قرآن مجید این اصطلاح و مشتقات آن در ۴۹ مورد استفاده شده که در آن عقل بشر ملاک فهم حقایق عالم و فهم احکام می باشد و ائمه معصومین (ع) نیز عنوان کردند که معیار امر و نهی الهی، بررسی عقل انسان می باشد که با آن می توان حسن و قبح و حقایق امور را تعیین کرد. محمد بن مسلم از امام محمد باقر (ع) گفته که در این روایت محبوبترین مخلوق خداوند عقل مطرح شده که طرف اصلی خطاب شدن در مورد مسائل شارع و امر و نهی الهی و ملاک مجازات کردن و پاداش گرفتن نیز است (کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۱۰). همچنین روایتی که هشام بن حکم از امام موسی بن جعفر (ع) آورده عنوان کرده که خداوند بر مردم دو حجت داده است. حجت آشکار و ظاهر که همان انبیا و رسولان و ائمه (ع) هستند و حجت باطنی که عقل میباشد (کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۱۶). اعظام فقههای شیعه، مانند محقق حلی و شهیدین در مورد شرایط حکم دادن قصاص با داشتن شرط کمال عقل را عنوان کردند و مطرح کردند که رشد عقل در سنهایی مانند ۱۰-۱۲ سالگی در بسیاری انجام نمی شود اما معیار تعیین کردن احکام شرعی مسائلی است که جنبه غالبی و نوعی دارند نه مواردی که نادر و شاذ است. پس روشن شد که برای تکلیف شرعی و خطاب اوامر و نواهی الهی باید عقل کاملاً رشد کرده و قوه تشخیص و تمیز انسان بررسی شود (رهامی، ۱۳۸۱: ۱۹۲-۱۹۱).

آیات قرآن کریم:

قرآن کریم در آیه ۶ سوره نساء آورده:

"وابتلو الیتامی اذا بلغوا النکاح فان أنستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم" یتیمان را در هنگام بلوغ بسنجید پس اگر رشد آنها برایتان ثابت شد اموالشان را به ایشان بدهید.

"فان کان الذی علیہ الحق سفیهاً أو ضعیفاً أولاً یستطیع ان یمل هو فلیملل ولیه بالعدل" اگر کسی حقی برای اوست سفیه باشد یا ضعیف و مدرکی ندارد پس ولی او باید به عدل مدرک ارائه بدهد....

احادیث و روایات:

علامه حلی در تحریر الاحکام در بیان شرایط قصاص به شرط رشد آورده که قتلهای طفل خطای به صورت عمد یا به صورت خطا با موضوع خطاء محض در نظر گرفته شود و باید عاقله دیه آن را بدهد، تا زمانی که سن خلافتکار مذکور به ۱۵ سال و خلافتکار مونث به ۹ سال برسد می توان شرط رشد را در برای هر دو مورد تایید کرد (علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۴۲).

موسوی بجنوردی نیز در مجازاتهای کیفری علاوه بر بلوغ رسیدن به سن رشد را هم لازم دانسته و این رشد را برای دختر و پسر همان رسیدن به سن ۱۸ سال می دانند.

ادله عقلی

آنچه در اجرای قوانین و مقررات ضرورت دارد رسیدن به بلوغ فکری و عقلی است و صرف رسیدن به بلوغ جنسی و جسمی کافی نیست و اگر در قانون هم سن بلوغ جنسی در نظر گرفته شده بدین خاطر است. که بلوغ جنسی نوعاً توأم به صورت رسیدن به بلوغ فکری و رسیدن به رشد عقلی است و این موضوع یعنی رسیدن به بلوغ جنسی به صورت بلوغ عقلی در نظر گرفته نمی شود. پس تا وقتی که خلافاً به بلوغ فکری نرسیده و یا اینکه حداقل شخص به سنی که اماره غالبی بر حکم بلوغ فکری است نرسیده باشد فاقد اهلیت جزایی می باشد و تحمیل مجازات بر او عقلاً قبیح است و عملی که عقلاً قبیح است، شرعاً نیز قبیح خواهد بود زیرا لازمه مسئولیت جزایی و تحمیل مجازات، وجود قوه درک و تشخیص و تمیز است بدین جهت توجه به رشد جزایی ضروری خواهد بود (رهامی، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

تنقیح مناط و تعیین اولویت

تعیین کردن اولویت زمانی انجام می شود که دو شرط در نظر گرفته می شود:

۱. حکم در منطوق و مفهوم به صورت یک نوع مطرح شود.

۲. معیار تعیین حکم در مفهوم اقوی از معیار حکم در منطوق مطرح شود.

در مورد مسئله معتبر بودن این نوع از تعیین نیز بین فقیهان اختلاف نظر است بیشتر فقها آن را معتبر مطرح کردند اما بعضی آن را معتبر عنوان نکردند و مطرح کردند که ادله منع از عمل مسئله تعیین شامل آن نیز میشود (جناتی، ۱۳۶۸) ولی نظر مظفر این است که قیاس اولویت حجت است، زیرا از نوع ظواهر است پس حجیت آنها از باب حجیت ظواهر میباشد (مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۷۸). برخی از نویسندگان در استدلال به این دلیل میفرمایند با توجه به اینکه امور کیفری اهمیت زیادی دارند آیا ممکن است قانونگذار در امور مدنی، عدم رشد را در مسائل تصرفات مالی به صورت مانع در نظر بگیرد و بنابراین سفیه را تایید کند، اما در مسائل کیفری که در مورد دماء و نفوس بوده و اهمیت بیشتری دارند شخص که رشد آن کامل نشده حمایت نشود؟ آیا معیاری که سبب تایید شدن از نظر حقوقی در مورد سفیه در مسائل مدنی گردیده را نمی توان برای شخص که رشد آن کامل نشده در موارد کیفری در مراتب قویتر یافت؟ در مورد مسئله تعیین اولویت در موضوع رشد میتوان به مطالب فقهی توجه کرد مثلاً شهید ثانی (ره) در مورد حکم قصاص آورده: "از جمله شرایط قصاص رشد عقل می باشد". چون خلافاً کاری که صبی و مجنون است برای آن عبادات بدنی الزام نیست توسط اولی حکم بدنی برای آنها داده نمی شود (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۵، ص ۱۶۱). بنابراین وقتی که عقوبات بدنی از عبادات اولی می باشد پس در مورد مسائل معاملات و امور مدنی نیز اولی می باشد چون اساساً از نظر مسائل فقهی موضوع دماء و نفوس از مسائل مالی از اهمیت ویژه ای در حقوق اسلام برخوردار می باشند. بنابراین با در نظر گرفتن این موضوع که موارد کیفری از نظر حفظ کردن و رعایت مصلحت سفیه اهمیت زیادی دارند مخصوصاً در امروزه که تکنولوژی و افزایش خلاف ها باعث شدند بعضی در مسائل روزمره خود ناتوان باشد حتماً در مسائل پیچیده کیفری نیز از

تشخیص کافی برخوردار نیست و بنابراین بوسیله اولی نیازمند حمایت می باشد پس نباید مورد مجازات قرار گیرد مگر آنکه رشد او اثبات گردد (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۱-۲۸۰).

سیره عقلا

"سیره عقلا"، یعنی استمرار عادت مردم و تبانی عمل آنها بر انجام یا ترک چیزی (مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۵۳) که بر مدار مصلحت سنجی و رعایت مصالح و مفاسد شکل میگیرد و در آن عقلا صرف نظر از نژاد مذهب و شرایط فرهنگی و اقلیمی و ... در دست یابی به مقاصد خود به گفتار و اخبار کسانی که مورد وثوق و اطمینان هستند. اعتماد می کنند. پس این سیره زاده طبیعت عقلایی است و محصول بیان شارع نیست، بنابراین می توان احتمال ردع شارع را درباره آن داد پس باید اثبات کنیم که ردعی از آن صورت نگرفته است؛ یعنی، در واقع نیازمند کشف از رضای شارع هستیم (اصغری، ۱۳۸۴، ص ۹) در مسئله احراز رشد جزایی در مسئولیت کیفری وقتی که ده ها مجلس قانونگذاری کشورهای مختلف را بررسی کنیم میبینیم که این کشورها علی رغم اینکه از حیث نظام سیاسی دین، نژاد، آداب، آئین، رسوم، فرهنگ و شرایط اقلیمی با یکدیگر متفاوتند و بدون اینکه عقلای این کشورها در مجالس قانونگذاری با مراجع قضایی با یکدیگر هماهنگی قبلی داشته باشند و با وجود تفاوت آرا و عقیده، ملاک مسئولیت نام کیفری را حصول ۱۸ سال تمام قرار داده و در این مسئله در مورد افرادی که ۱۸ سال ندارند. با مسئولیت کیفری برای آنها حکم داد. با هم موافق هستند در کشور ما نیز این موضوع تایید شده از طرف نظام تقنینی و قضایی و مورد تایید حقوقدانان واقع گشته بود. بنابراین میتوان عنوان کرد توجه کردن به مسئله رشد از نظر جزایی و یا تعیین کردن سن خاصی مانند ۱۸ سالگی برای حکم رشد جزایی با نظر عقلای عالم بوده و زمانی مسئله ای با موضوع سیره عقلا در نظر گرفته شود و عقلای اسلام هم در مورد آن ایرادی مطرح نکردند از طرف شارع تایید می شود و می تواند معیاری برای تقنین واقع شود (رهامی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۴).

تفکیک دوره های زمانی در قانون مجازات ۱۳۹۲

سن مسئولیت کیفری در فصل دوم از بخش چهارم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ بیان گردید. مطابق مواد یاد شده افراد که مسئولیت کیفری ندارند بالغ نیستند. سن بلوغ در دختران نه سال و پسران پانزده سال تمام قمری می باشد درباره افراد نابالغ، با توجه به مقررات این قانون اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته می شود. به بیانی دیگر با تعیین لایحه مجازات اسلامی این مقررات با برخی تغییرات مطرح شد و به صورت مواد ۸۸ تا ۹۵ در فصل دهم از بخش دوم در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با موضوع حکم و اجراهای تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان تعیین شد. تغییراتی در مورد مسئله اماره قانونی تعیین کردن سن بلوغ در این قانون انجام نشد. ولی دو تغییر در این مسئله انجام شده است. به این صورت که دو نظام متفاوت برای حکم خلاف های تعزیرات و سایر حکم تعیین شده است و در مورد مسئله خلاف های تعزیری درباره نوع جرم و سن

خلافکار حکم های متفاوتی در نظر گرفته شده است.^۱

جرایم تعزیری

تعیین مسئولیت کیفری اطفال آورده شده در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ برای جنسیت تفاوتی نیاورده است و براساس نظام تدریجی آورده شده و برای سنین مختلف اطفال حکم های متفاوتی آورده شده است؛ که این گروه ها را بررسی می کنیم.

گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عنوان کرده است که اگر اطفال ۹ تا ۱۵ ساله مرتکب جرایم تعزیری شوند مورد توجه یکی از تصمیمات مندرج در بندهای «الف» تا «ب» آن ماده قرار می گیرند؛ اما از ارتکاب جرایم مسبب دیه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تغییر مهمی در مورد مسئولیت بوسیله اطفال ایجاد نکرده است. توضیح آنکه به سبب بند ب ماده ۲۹۲ جنایات انجام شده بوسیله اطفال مثل مسائل قبل از موارد خلاف های خطای کامل در نظر گرفته می شوند و مسئولیت اجرای دیه این خلاف نیز براساس مواد فصل چهارم کتاب دیات قانون مجازات اسلامی (در مواد ۴۶۲ به بعد) با عاقله می باشد. آنجا که براساس تبصره ۱ این ماده شرایط آورده شده در بندهای "ت" و "ث" فقط در مورد اطفال و نوجوانان دوازده سال حکم داده می شود حکم های اجرایی درباره گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال فقط درباره شرایط ذکر شده بندهای "الف" تا "پ" این ماده است. از لحاظ ماهوی حکم ها به صورت حکم های ترمیمی - تربیتی می باشند (جمشیدی ۱۳۸۲، ص ۷۳) از نظر فنی می توان گفت که کودکی که ۹ سال سن ندارد نمی تواند مورد توجه هیچ گونه حکمی در عدالت کیفری، حتی حکم های اصلاحی و مراقبتی باشد و نمی توان این اطفال را محاکمه کرد. اما در این مورد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شرایطش با قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) یکی نیست چون براساس ماده ۴۹ آن قانون، اطفال در انجام خلاف مسئولیت کیفری ندارند ولی دادگاه اصلاح آنها را به خانواده اطفال و یا به "قانون اصلاح و تربیت اطفال" می داد. بنابراین در قانون مجازات تایید شده در سال ۱۳۷۰ هیچ گونه حداقل سنی برای محاکمه در دادگاه کیفری عنوان نشده بود. امکان شرایط تنبیه کردن بدنی اطفال خلافکار نیز بدون در نظر گرفتن سن آنها آورده شده بود و در تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون ذکر شده زمانی که در مورد اصلاح تربیت طفل، تنبیه کردن بدنی وی حکم شود این امکان برای دادگاه مطرح شده بود. ولی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد اطفال زیر ۹ سال هیچ نوع حکمی حتی اصلاحی و تربیتی نیاورده و اطفال نباید محاکمه کیفری شوند.

تعیین گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال

^۱ ارتکاب جرائم مستوجب دیه: قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تغییر قابل ذکری در مسئولیت ناشی از ارتکاب جرائم مستوجب دیه توسط اطفال بوجود نیاورده است. توضیح آنکه به موجب "ب" ماده ۲۹۲ جنایت ارتكابی توسط اطفال همانند گذشته از مصادیق جنایات خطای محض محسوب می شوند و مسئولیت پرداخت دیه این جنایات نیز طبق مواد فصل چهارم کتاب دیات قانون مجازات اسلامی (مواد ۴۶۲ به بعد) اصولاً بر عهده عاقله است

در مورد سنین ۱۲ تا ۱۵ سال شرایط بیشتری گذاشته است و با تغییراتی که در بند قبلی داده است سعی نظرات تادیب کننده و تنبیهی آورده است. کودک یا نوجوان با ۱۲ تا ۱۵ سال سن براساس تبصره ۱ در ماده ۸۸ که خلاف تعزیری مرتکب شده ممکن است نظرات آورده شده در بندهای ت و ت این ماده نیز در مورد مسئله حکم داده شود. برای مدت سه ماه تا یک سال با توجه به بند ث به قانون اصلاح و تربیت واگذار می شود که نظر تنبیهی بیشتری دارد. زیرماده این تبصره شرایط بیشتری برای این سنین آورده است و گفته اگر این اطفال و نوجوانان خلاف تعزیری درجه ۱ تا ۵ انجام دهد باید حکم مدت زمان ۳ ماه تا ۱ سال به قانون اصلاح و تربیت داده شود و فقط این حکم از طرف قاضی صادر می شود. قانونگذار در ماده ۸۸ عنوان "اطفال و نوجوانان" میان سنین ۹ تا ۱۵ سال را بکار برده است. در این ماده تا قبل از تایید شدن این قانون و در لایحه پیشنهادی به مجلس فقط عنوان (اطفال) بکار برده می شد پس در لایحه پیشنهاد شده در ماده ۸۸ فقط منظور پسران بودند چون دختری که ۹ تا ۱۵ سال داشته باشد در اماره بلوغ ذکر شده در ماده ۱۴۷ در نظر گرفته نمی شود و جزء اطفال نیست. اما در ماده ۸۸ که توسط مجلس تایید شد عناوین بیشتری از «اطفال و نوجوانان» شامل دختران و پسران می شد. در آن ماده دختری که به سن بلوغ رسیده و براساس نظر فقهای امامیه به صورت مسئولیت کیفری کامل در مسائل خلاف ها در نظر گرفته می شود اما تا وقتی که زیر ۱۵ سال دارد اگر مرتکب خلاف تعزیری با نظرات تخفیف یافته ای مشابه حکم مذکور خود محکوم شود. این تغییر مهم بخشی از اشکالات عنوان شده درباره قوانین سابق از لحاظ تبعیض آورده شده بین دختر و پسران درباره مسئولیت کیفری را رفع کرده است (صبوری پور، ۱۳۹۲، ص ۱۷۹)

تعیین گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال

دختران و پسرانی که ۱۵ سال دارند ولی ۱۸ سال نیستند اگر مرتکب خلاف تعزیری شوند، با ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد خلاف آنها حکم داده می شود. در این ماده عنوان شده است که خلافکاران با این رده سنی با توجه به نوع جرم محکوم میشوند که حکم بیشترین آنها پنج سال واگذاری در قانون اصلاح و تربیت و کمترین آنها این گروه سنی نوجوانان میان ۱۵ تا ۱۸ سال می باشند که در برزخ ناشی از تفاوت تعریف مفهوم کودک در قوانین داخلی و اسناد بین المللی هستند. از نظر اسناد بین المللی، که مهم ترین آنها کنوانسیون حقوق کودک است. سن کودک کمتر از هیجده سال است.^۲ ولی از لحاظ قوانین داخلی ایران بیشترین سنی که می شود یک فرد را کودک حساب کرد پانزده سال تمام قمری می باشد که آن هم فقط در مورد اطفال ذکر شده می باشد. مقررات تعیین شده ای در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در مورد این سنین (۱۵ تا ۱۸ سال) مطرح نشده بود و برای خلاف های این افراد مسئولیت کیفری کامل حکم داده می شد ولی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تضمین اجراهای تعیین شده ای را درباره این گروه سنی مطرح کرد و آنها را از بزرگسالان (افراد با سن بالای ۱۸ سال) به صورت متفاوت آورده است. اگرچه قانونگذار سن مسئولیت کیفری را در این قانون بیشتر نکرده اما

^۲ ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک: "از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال هستند مگر اینکه طبق قانون اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود"

با عنوان کردن مسئله نظام تدریجی دامنه حمایت‌های اصلاحی و تربیتی در مورد مسئولیت کیفری خود را بیشتر کرده و در این مورد این اصلاحات را تا حد شمول درباره افراد کمتر از سن ۱۸ سال کودکدر نظر گرفت چون با هیچ یک از قرائنی که در منابع فقهی نمی شود آنها را بزرگسال در نظر گرفت. گسترده ساخته است. با دقت کردن در روش برابر گزینی مجازاتهای تعزیری برای افراد میان سنین ۱۵ تا ۱۸ سال براساس ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این مطلب بهتر نشان داده می شود. مثلاً می توان گفت در مسئله بند الف ماده ۸۹ آورده شده است نوجوانی که مرتکب انجام خلاف تعزیری درجه یک تا سه انجام داده است باید به قانون اصلاح و تربیت برای دو تا پنج سال محکوم شود. کمترین حکم این قانون برای حبس تعزیری درجه ۳ ده سال است و بالاترین میزان حکم تعزیری درجه ۱ نیز حکم حبس ابد می باشد. بنابراین درباره حکم گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال، واگذاری به قانون برای مدت ۲ تا ۵ سال با حکم تعزیری حبس بالای ۱۰ سال تا حبس ابد جایگزین شده است که این مسئله حکم خلاف تعیین شده از رویکرد مجازات و در نظر گرفتن رویکرد اصلاحی درباره این گروه سنی است.

تعیین جرایم حدی و قصاص

فقه‌های امامیه مطرح کردند فردی که به سن بلوغ رسیده، باید آن را بالغ دانست و مسئولیت کیفری کامل دارد (مهرپور ۱۳۹۲، ص ۱۴۶) و در صورتی که مرتکب خلاف شود نیز حکم مجازات وی مانند افراد بزرگسال باید داده شود. ولی قانونگذار با در نظر گرفتن این قواعد شرعی، تا جایی که می شود براساس قواعد بین المللی حقوق کودک را در این مورد نیز مطرح کرده است. در مورد مسئله قوانین اصلی حقوقی درباره خلاف های که سبب حد و قصاص می شوند و توسط اشخاص کمتر هجده سال انجام می شوند در تبصره ۲ ماده ۸۸ و ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آورده شده است. که در ادامه مورد اشاره قرار گرفته است.

۱. ارتکاب جرایم مستوجب حد و قصاص توسط نابالغ کمتر از ۱۲ سال باعث اعمال یکی از اقدامات عنوان شده در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی با توجه به بند الف تا پ میشود: (تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی).

الف - سپردن خلافکار به خانواده آن یا سپردن آن به سرپرست قانونی اما با گرفتن تعهد به تأدیب و مواظبت در حسن اخلاق

ب - سپردن به اشخاص حقیقی یا حقوقی در صورت عدم صلاحیت خانواده یا عدم دسترسی داشتن به آنها.

پ - نصیحت کردن توسط قاضی دادگاه

۲. ارتکاب جرایم مسبب حد یا قصاص توسط نابالغ با سن ۱۲ تا ۱۵ سال قمری به یکی از اقدامات عنوان شده در بندهای «ت» و یا «ث» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی محکوم می شود: (تبصره ۲ ماده ۸۸)

ت - اخطار با تذکر دادن و یا گرفتن تعهد کتبی برای عدم تکرار کردن جرم.

ث - نگهداری کردن در قانون اصلاح و تربیت برای ۳ ماه تا ۱ سال

۳. ارتکاب جرایم مسبب حد و یا قصاص بوسیله افراد بالغ زیر ۱۸ سال وقتی که مرتکب نمی تواند خلاف انجام

شده را بفهمد و یا در رشد و کمال عقل آنها شک وجود داشته باشد براساس سن آنها با توجه به فصل دهم مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان محکوم خواهند شد (ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی)

در مورد تبصره ماده ۸۸ نکته هایی قابل توجه است:

اول اینکه برعکس تعزیرات که درباره گروه سنی زیر نه سال انجام دادن هیچ نوع واکنشی در قانون آورده نشده است درباره خلاف های مسبب حد و قصاص حداقل از لحاظ نظری، این امکان هست که قاضی یکی از مطالب در بندهای الف تا پ در ماده ۸۸ را درباره آنها مطرح کند. این برداشت با توجه به تبصره ۲ ماده ۸۸ می باشد. توضیح اینکه صدر این تبصره عنوان کرده که نابالغ مرتکب خلاف حدی یا مسبب قصاص اگر بین ۱۲ تا ۱۵ سال است، باید به نظرات آورده شده در بندهای ت و ث حکم داده شود و "در غیر این صورت" به نظرات عنوان شده در بندهای الف تا ب می شود عنوان کرد عنوان در غیر این صورت فرضی می باشد که نابالغ مرتکب خلاف دوازده سال سن نداشته باشد بدون اینکه کمترین سنی برای این گونه واکنشها منظور شده باشد. بنابراین، کودکی که نه سال ندارد اگر مرتکب جرایم تعزیری شود صرفاً طرف نظر دستگاه کیفری نمی باشد و اگر تدابیر اصلاحی و مراقبتی نیز در مورد وی آورده نشده است. اما اگر مرتکب خلاف های مسبب حد یا قصاص بوسیله وی امکان اعمال کردن نظرات تربیتی و مراقبتی ذکر شده در بندهای «الف» تا «پ» ماده ۸۸ درباره وی هست. دوم اینکه قسمت مهم این تبصره فقط درباره "پسران" است چون موضوع آن نابالغی می باشد که میان ۱۲ تا ۱۵ سال سن دارد. اما براساس ماده ۱۴۷ این قانون، دختری را که بیشتر از ۹ سال سن دارد بالغ در نظر می گیرند در این قانون تبصره منظور از نابالغ ۱۲ تا ۱۵ سال مطرح شده که، فقط نابالغ مذکر (پسر) می باشد. بنابراین تفاوتی میان دختران و پسران آورده است: دختری که بیشتر از نه سال دارد اگر خلافی انجام دهد که مسبب حد یا قصاص شود، حسب مورد به حد یا قصاص محکوم میشود ولی برای پسر تا وقتی که سن پانزده سال تمام قمری نداشته باشد به جای حد یا قصاص به یکی از تدابیر و نظرات مراقبتی و تنبیهی عنوان شده در ماده ۸۸ حکم داده می شود. درباره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ باید مطرح کرد این ماده (ماده ۹۱) تغییری جدی در واکنش کیفری در مورد نوجوانان مرتکب جرایم مسبب حد یا قصاص آورده است. این ماده، سه شرایط را برای عوامل کنار گذاشته شدن حکم حد یا حکم قصاص عنوان کرده و مطرح کرده که قاضی باید درباره این موارد خلافاً را به جای حکم حد یا حکم قصاص با در نظر گرفتن سن آن یکی از حکم های تعزیری ذکر شده در فصل دهم در مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان حکم دهد. سه شرایط شامل:

عدم درک کردن ماهیت جرم ارتكابی بوسیله مرتکب شونده

عدم درک کردن حرمت جرم ارتكابی بوسیله مرتکب شونده

شبهه داشتن در مورد رشد یا کمال عقل مرتکب شونده

بنابراین دختر یا پسر زیر سن هجده سال که مرتکب جرم مسبب حکم حد یا حکم قصاص شود و یکی از سه شرایط را داشته باشد "براساس سن وی" به حکم های آورده شده در این فصل محکوم میشود. درباره حکم باید این ماده را در نظر گرفت (صبوری پور، ۱۳۹۲، ص ۱۸۸) اولاً آیا مصالحی که سبب کنار گذاشته شدن مجازات حدی یا قصاص شدند در این مورد اعتبار ندارند که بتوانند سبب کنار گذاشته شدن مجازات تعزیری نیز بشوند؟ مثلاً اگر فردی کمتر از هجده سال دارد نمی شود به دلیل شبهه داشتن در کمال عقل وی به حد را حکم داد این مورد منطقی است که وی را به حکم تعزیر محکوم کرد از طرف دیگر مگر مجازات جرم وی فقط حد نبوده است و حال به علت داشتن شک ساقط می باشد. این نوع جایگزینی مجازات با صدور حکم تعزیر از چه منطقی استفاده کرده است؟ آیا می شود کسی که درباره رشد عقل آن شک وجود دارد برای آن حکم تعزیر داده شود؟ دوم نوع حکم دادن در ماده ۹۱ با شک است. قانونگذار بعد از بیان کنار گذاشته شدن حکم حد یا حکم قصاص، این حکم کلی را کافی مطرح کرده است که با در نظر گرفتن سن خلافکار حکم های آورده شده در این فصل، یعنی فصل دهم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای آن اجرا می شود. ولی این حکم ها که قانونگذار مسئله را به آنها ربط داده است کدام مسائل است؟ منظور قانونگذار حکم های ذکر شده در ماده ۸۸ است یا تبصره ۲ آن و یا ماده ۸۹ است؟ می توان گفت چون قانونگذار با تصریح به این در تعیین کردن مجازات برای خلافکار باید به "سن" وی را در نظر بگیرد شک ها در این مورد را بیشتر کرده است. در این فصل سه گروه از واکنش ها در مورد اطفال مرتکب شونده جرم مطرح شده است. اول اطفال میان سنین ۹ تا ۱۲ ساله مرتکب جرایم تعزیری که با واکنشهای مذکور در بندهای "الف" تا "پ" در ماده ۸۸ محاکمه می شوند. دوم اطفال میان سنین ۱۲ تا ۱۵ ساله که خلاف تعزیری یا مسبب حد یا قصاص انجام دادند با حکم های آورده شده در بندهای "ت" و "ث" ماده ۸۸ انجام می شود. سوم اطفال میان سنین ۱۵ تا ۱۸ ساله که خلاف تعزیری انجام دادند که با مجازاتهای ذکر شده در ماده ۸۹ محاکمه میشوند و این نوع مجازات ها نیز براساس درجه ی جرمی که مرتکب شده گروه بندی شدند. سؤال این بخش زمانی که قانونگذار در ماده ۹۱ به مجرم را به "مجازات های مذکور در این فصل" محکوم می کند کدام یک از سه حکم بالا را شامل می شود. در این باره دو مسئله آورده می شود: اول اینکه براساس اینکه مرتکب شونده خلاف حدی یا مسبب قصاص (که به علت های ذکر شده در بالا حد یا قصاص در مورد وی حکم نمی شود) سنش چقدر است یکی از انواع نظرات بالا درباره وی حکم می دهند. به معنایی اگر خلافکار با ۹ تا ۱۲ سال خلافت مرتکب شود بندهای الف تا پ در ماده ۸۸ برای او اجرا می شود و اگر خلافکار با ۱۲ تا ۱۵ سال مرتکب خلاف شود بندهای ت یا بند ث در ماده ۸۸ برای او اجرا می شود و اگر خلافکار با ۱۵ تا ۱۸ سال مرتکب خلاف شود ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی درباره مسئله وی حکم می شود. قانونگذار درباره موضوع ماده ۹۱ تاکید کرده در مورد اینکه حکم داده شده باید با "سن" خلافکار هم خوانی داشته باشد. ولی اشکالی که می توان از این حکم عنوان کرد این است که قانونگذار در ماده ۹۱ موضوع "مجازات" خلافکاران را آورده است ولی همین قانونگذار آگاهانه از بکاربردن عنوان "مجازات" درباره نظرات

ذکر شده در ماده ۸۸ امتناع کرده و عنوان "تصمیمات" برای آنها استفاده کرده است. به عبارتی از نظر قانونگذار حکم های ذکر شده که در ماده ۸۸ مجازات آورده شده استفاده نمی شود و بنابراین مرجوع کردن به "مجازات های ذکر شده در این جا" در ماده ۹۱ را نمی شود در مورد آنها در نظر گرفت. قانونگذار باید در موضوع ماده ۸۹ عنوان «مجازات» بکار برد و بنابراین می شود مطرح کرد که ارجاع دادن وی به مجازات درباره موضوع ماده ۹۱ نیز در مورد واکنش های ذکر شده در ماده ۸۹ است. این عنوان با در نظر گرفتن مسائل حقوقی نیز درست تر است چون تناسب بین حکم ها را حفظ می کند. در یک درجه بندی کلی در بیشترین درجه از شدت حکم های حد و حکم های قصاص هستند. پس از آنها حکم های تعزیرات می باشند و در درجه ای کمتر از تمامی اینها موارد تأدیبی و اصلاحی اطفال و نوجوانان هستند بنابراین نظر مقنن این بوده که نوجوانی که به دلایل ذکر شده در ماده ۹۱ حکم حد یا حکم قصاص برای آن در نظر گرفته نمی شود تخفیف و تسامح با حکم های تعزیری در نظر می گیرند. این حکم ها نیز در ماده ۸۹ آورده شدند. پس میتوان مطرح کرد که نوجوانی که حد یا قصاص در مورد وی در نظر گرفته نمی شود و به مجازاتهای تعزیری ذکر شده ماده ۸۹ محکوم میشود. ولی این منظور نیز مشکل را حل نمی کند و شکی که قانونگذار در ماده ۹۱ به وجود آورده است را حل نمی کند. چون اولاً در ماده ۹۱ آورده شده است که خلافکار با توجه به سن وی یکی از حکم های این فصل برای آن اجرا می شود. ثانیاً در ماده ۸۹ حکم های زیادی بر اساس نوع خلاف آورده شده است (نگهداری کردن خلافکار در کانون اصلاح و تربیت پرداخت کردن حکم نقدی و حکم انجام خدمات عمومی) تعیین نشده که اگر قاضی بخواهد خلافکار حکم تعزیرات ذکر شده در ماده ۸۹ را بدهد کدام حکم تعزیر را باید در نظر بگیرد. آزادی عمل مطلق برای حکم دارد؟ جواب تایید به این سؤال راه حل نیست. چون مسائل بسیاری در رویه حکم قضایی ایجاد می شود. از طرف دیگر چگونه می شود پذیرفت که قانونگذار در حکم تعزیرات به مواردی که پیش تر مطرح شد نوع حکم کیفری درباره اطفال را تعیین کرده باشد ولی در حکم حدود و حکم قصاص این آزادی را به قاضی برای حکم داده باشد؟ این مسائل ابهاماتی دارد که در مورد ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی است و قانونگذار بدون توجه به آنها حکم ماده ۹۱ را داده است. تایید کردن توسط قانونگذار برای توجیه کردن کنار گذاشته شدن حکم حد یا حکم قصاص در مورد این ماده سبب شده است که به حکم هایی که جایگزین حکم حد یا حکم قصاص می شود زیاد توجه نکند و نتواند مورد صحیحی برای این مسئله جایگزین مطرح کند.

ارتباط رشد کیفری با کمال العقل

مشمول در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، افراد زیر ۱۸ سالی هستند که خلاف انجام دادند و آن را درک نمی کنند و در مورد میزان رشد و عقل آنان شبهه وجود داشته باشد. در عبارت آخر این ماده، از واژه های رشد و کمال عقل استفاده گردیده که به جستجوی کمال العقل و ارتباط آن با رشد کیفری می باشد. شاید بشود بیان کرد این ماده به رشد کیفری مشهور است.

با در نظر گرفتن اینکه نظام حقوقی ایران بر طبق فقه امامیه بنیان نهاده شده، معنای و مفهوم این واژگان را می توان در مطالب

فقهی بررسی نمود. در شرایطی، فقهای امامیه عبارت «کمال العقل» را بکار بردند که هدف آنان شرط انجام دادن حکم قصاص، حکم اخراج صغیر و حکم مجنون است. منظور از عنوان کمال العقل، رسیدن به سن بلوغ و عدم جنون است. در مسائلی که توسط فقهای امامیه مطرح شدند، کمال عقل ارتباط معناداری با مسئله رشد ندارد و نمی شود رشد کیفری را به معنای کمال العقل بکار برد. اما در بعضی از مطالب فقهی عبارت «کمال عقل» به معنی بلوغ، عقل سالم و عدم سَفَه استفاده شده است. این عبارت مطرح می کند که افراد سفیه و ابله در کنار مجنون و صغیر هستند که براساس نظرات آنان خلافکار باید به این حکم محکوم شود که سفاهت باینکه به معنای جنون نیست، اما بر اساس قیاس منصوص العله، حداقل، به حکم جنون است. به بیانی؛ مجنون، سفیه و ابله در مساوات یکدیگر می باشند (هاشمی، ۱۳۹۸: ۲۴۰).

شهید ثانی در مورد شرایط شاهد در دعاوی، شخص ابله را منع از شهادت آورده و او را از مصادیق بارز «سفیه» آورده است. ولی شهادت در شرایط دعاوی الزاماً با مسائل مالی مرتبط نیست.^۳ همچنین شیخ طوسی در باب وجوب صوم، شخص «ابله» را فاقد تکلیف عنوان کرده است. ایشان بیان کرده: شخص احمق، نمی تواند مجنون حساب گردد، پس باید آن را در مرتبه سفاهت دانست.^۴

در این موارد، اصطلاح «کمال العقل» به وسیله برخی از فقها به معنی رشد فکری یکی از نشانه های بلوغ در مورد سایر نشانه ها استفاده شده است. همچنین باینکه این موارد، امور مالی نمی باشند؛ اما اطلاق دادن آن به شرایط رشد کیفری قابل تأمل است.

مجازات کودکان بزه کار در قانون مجازات ۱۳۹۲

براساس حاکمیت قواعد شرعی در حیطه قوانین و تابع بودن قانون گذار ایرانی از نظر فقهای شیعه برای تصویب قوانین، عنوان کردن سن خاصی در مورد مسئله سن بلوغ شرعی، تعیین کردن سن مسئولیت کیفری در مورد اطفال خلافکار می باشد.

همچنین رفتن ایران به برخی کنوانسیون ها و میثاق های مختلف بین المللی (با شرایطی) و لزوم عدم تفاوت قوانین داخلی با مقررات مندرج در این کنوانسیون ها، سبب مسائلی در این مورد شد که قانون گذار این مورد را تغییر داد. جمهوری اسلامی ایران با مطرح کردن شرایطی در سال ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک پیوست و با عنوان «قانون اجازه ملحق شدن دولت جمهوری اسلامی ایران در کنوانسیون حقوق کودک» در تاریخ اول اسفند سال ۱۳۷۲ در مجلس شورای اسلامی تایید شد.

در شرایط معاهده حقوق کودک کنوانسیون، سن طفل، زیر ۱۸ سال مطرح شده ولی تعیین نمودن سن مسئولیت کیفری با توجه به حقوق داخلی کشورها آورده شده است.

اما شرایطی که در این کنوانسیون ها در مورد تعیین سن کیفری آورده شده بر اساس معیارهای مناسب ملی و با توجه به منافع اطفال هستند؛ بنابراین مفهوم سن مسئولیت کیفری برای نوجوانان در قوانین، نباید در سطح بسیار کم عنوان شود و شرایط درباره بلوغ عاطفی، بلوغ ذهنی و بلوغ عقلی باید توسط قانون گذار برای حکم در نظر گرفته شود.

^۳ . الثانی کمال العقل فلا تقبل شهادة المجنون و کذا من يعرض له السهو غالباً... و کذا المغفل الذی فی جبلته البله فربما استغلط لعدم تفتنه و هو وهم،

^۴ و من شرط وجوبه کمال العقل و الطاقه و البلوغ... و اما کمال العقل فانه شرط فی وجوبه علیه لأن من لیس کذلک لایکون مکلفاً من المجانین و البله، همان

همچنین سن طفل در ماده یک در معاهده کنوانسیون حقوق کودک، به صورت کلی مطرح شده و میان شرایط حکم دادن در مسائل حقوقی و مسائل کیفری اطفال خلافکار تفاوتی در نظر گرفته نشده است.

مسئله تعیین کردن سن مسئولیت کیفری اطفال پس از انقلاب، زیر ۱۸ سال تعیین شد که در آن مطرح شد که باید قوه تمیز خلاف ها سبب حکم دادن حدود و قصاص، در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۹۲ شود.

در ماده ۹۱ فصل دهم در قانون جدید، موضوع " مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان " در مورد حکم دادن خلاف های قصاص و حد توضیح داده شده است.

در مورد کودکانی که خلاف تعزیری را در ۹ تا ۱۵ سال شمسی انجام دادند، این قانون می تواند سرپرستی آنان را به خانواده با گرفتن تعهد از آنان بدهد یا خلافکار را به طرف پزشک و مددکار اجتماعی واگذار کند و یا آنان را برای اصلاح شدن به موسسه ای فرهنگی و آموزشی برای انجام دادن حرفه آموزی بدهد.

تغییر مهم در مورد این قانون که می شود مطرح کرد این است که خلافکارانی که بالغ شرعی می باشند ولی ۱۸ سال ندارند اگر در مورد کمال عقل و رشد آنان شک باشد، حکم حدود و قصاص در مورد آنان انجام نمی شود.

بر اساس داشتن شک، با توجه به در نظر گرفتن قاعده در، حکم حدود و حکم قصاص انجام نمی شود.

با توجه به در نظر گرفتن این قانون، حکم برای خلاف های تعزیری افراد زیر ۱۸ سال با افراد بالای ۱۸ سال یکی نمی باشد. درباره کودکان زیر ۱۸ سال حکم به زندان برای آنان داده نمی شود اما برای تربیت شدن به مراکز تربیتی می روند و اگر خانواده برای نگهداری کردن صلاحیت نداشته باشند، اطفال، برای اصلاح شدن به شخص حقوقی صالحی، سپرده می شوند.

همچنین قانون گذار در ماده ۹۳ این قانون تغییراتی آورده که حکم قاضی را برای تعویق کردن خلاف های تعزیری نوجوانان آزاد کرده است. مطرح کرده: " دادگاه می تواند در خلاف های تعزیری ارتكابی نوجوانان، حکم را با تاخیر صادر کند یا اجرای حکم را معلق کند ".

نتیجه گیری

باینکه در کلام فقهای پیشین سن بلوغ شرعی سن مسئولیت کیفری محسوب می گردد، ولی با بررسی بیشتر آیات قرآن کریم و فتوای فقهای معاصر متوجه می شویم سن رشد و مسئولیت کیفری متفاوت از بلوغ شرعی است. ولی به دلیل اینکه بیشتر این دو مورد هم زمان باهم حادث می گردیدند سن بلوغ شرعی برای اماره ای بر مسئولیت کیفری انگاشته گردید باینکه امروزه سن بلوغ شرعی نمی تواند مبنایی برای مسئولیت کیفری باشد بنابراین قانون گذار در قانون جدید شرط رشد و کمال عقل را پیش بینی نموده که امری فرعی بر قاعده در است شبیه موجود در این مورد شبیه در رشد و کمال عقل نیست. در مورد شبیه رشد و کمال عقل فرد از ماهیت فعل بی خبر است یا در مورد درک نمودن حرمت و قبح اجتماعی آن یا اینکه در صورت ارتكاب جرم چه پیامد و نتایجی اجتماعی برای او به دنبال دارد ناتوان است؛ اما این شبیه مختص افراد بالغ زیر هجده سال می گردد. همچنین قانون گذار اصل را بر نبود رشد و کمال عقل گذاشته است؛ بنابراین چنانچه قضات با مرتکبین جرائم حدی و قصاصی به وسیله این افراد مواجه گردند باید رشد و کمال عقل را برای اعمال مجازات این موارد احرار کنند. به هر طور قانون گذار در تعیین نمودن مجازات اطفال و نوجوان دچار دوگانگی شده و بنابراین دو نظام مختلف در جرائم تعزیری و در مورد جرائم حدی و قصاصی پیش بینی شده است. در تعزیرات با توجه به اینکه اطفال و نوجوانان ۹ تا هجده سال تمام شمسی بدون رشد و کمال عقل در نظر گرفته شدند بنابراین مسئولیت

کیفری تدریجی برای آنان آورده شده است ولی در جرائم حدی و قصاصی افراد بالغ با احراز شدن رشد و کمال عقل به وسیله قاضی در حیطه مجازات حدی و قصاصی قرار می گیرند، ولی در غیر این صورت به مجازات جایگزین محکوم می گردند؛ بنابراین اگر طفل یا نوجوان با کمتر از ۹ سال تمام شمسی مرتکب جرم گردند مجازات نمی شوند اما دخترانی که ۹ سال تمام قمری دارند در یکی از اقدامات بند «الف» تا «پ» ماده ۸۸ ق.م.ا. بر آنان اعمال خواهد شد. در صورتی که طفل یا نوجوان در هنگام ارتکاب جرم ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی داشته باشد اگر مرتکب شونده پسر باشد که ۱۲ تا ۱۵ سال تمام قمری داشته باشد یکی از اقدامات بند «ت» یا «ث» ماده ۸۸ ق.م.ا. در مورد آنان اعمال می گردد و از ۹ سال تمام شمسی تا دوازده سال تمام قمری یکی از اقدامات بندهای «الف» تا «پ» این ماده برای آنان اجرا می گردد. در مورد پسران بالغ و دختران بالغ ۱۲ سال تمام قمری تا ۱۵ سال تمام شمسی می شود بیان کرد در صورت عدم احراز رشد و کمال عقل به یکی از اقدامات بند «ت» و «ث» محکوم خواهند شد. همچنین درباره دختران بالغ تا سن دوازده سال تمام قمری در صورت عدم احراز رشد و کمال عقل یکی از اقدامات بند «الف» تا «پ» در حق آنان اعمال می گردد. همچنین درباره نوجوانان پانزده تا هجده سال تمام شمسی تنها در صورت عدم احراز رشد و کمال عقل به یکی از مجازات مقرر در ماده ۸۹ ق.م.ا. محکوم می گردند و گرنه حکم مجازات حدی و قصاصی صادر می گردد. همچنین لازم می باشد به شرایط ویژه جرائم درباره اعمال مجازات توجه گردد؛ مانند رضایت داشتن بزه دیده در تخلفات حق الناسی علاوه بر این احراز یا عدم احراز رشد و کمال عقل اثری در پرداخت نمودن دیه به وسیله مرتکب نمی گردد.

با توجه به مواردی که در این پژوهش بیان گردید پیشنهاد می شود که قانون گذار با اصلاح ماده ۹۱ ق.م.ا. شرط رشد و کمال عقل را نبود درک ماهیت، فعل، حرمت و قبح اجتماعی آن و ناتوانی در پیش بینی صحیح نتایج در اثر فعل مجرمانه تعریف کند و مبنا را بر عدم وجود آن قرار دهد همچنین در مورد مجازات با تعیین نمودن سن قمری و یا شمسی درباره تمام تخلفات و مسئولیت کیفری برای دختران بالغ کمتر از ۹ سال تمام شمسی و مجازات جایگزین مناسب با هر نوع از جرائم حدی و قصاصی مانند آنچه با توجه به درجه بندی تعزیرات پیش بینی کرده، موجبات ایجاد قانونی کامل و مناسب را فراهم کند.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش تلاش گردید تا با ذکر منابع و رعایت آیین نگارش و بر اساس دستورالعمل های مجله از مطالب دیگر نویسندگان با ذکر منبع استفاده شود.

تعارض منافع

این مقاله در نشریه ای دیگر و با عنوانی متفاوت ارائه نشده است.

سهم نویسندگان

این مقاله مستخرج از پایان نامه‌ای با عنوان چالش‌های معیار تشخیص سن رشد کیفری از منظر فقه و نظام حقوقی ایران و مصر می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی توسط فائزه جعفریان و با رهنمایی آقای دکتر علی بهرانی-نژاد و مشاوره آقای دکتر علیرضا محمدیکی انجام شده است.

مقاله
پذیرفته شده
نشریه

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- الثعابی، ابی منصور (۱۴۱۳ق). *فقه اللغة*، دارالکتاب العلمیه. قم.
- احدی، حسن، شکوه السادات، بنی جمالی (۱۳۹۰). *روان شناسی رشد*، قم، نشر بخشایش، چاپ اول.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶). *حقوق جزای عمومی ۱*، تهران، انتشارات میزان، چاپ هیجدهم.
- روحانی، حسن، مهربور، حسین (۱۳۹۱). *سن اهلیت و مسئولیت قانونی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- زراعت، عباس (۱۴۲۷ق). *حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات ققنوس، جلد اول، چاپ اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ق). *مسالك الافهام*، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، ج ۵، ص ۱۶۱.
- الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۴۱۶ق). *الاستبصار*، قم، کتابخانه مرکز فقه، جلد ۴.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). *تحریر الاحکام*، موسسه امام صادق (ع)، قم، ج ۲، ص ۲۴۲.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *کشف اللثام*، مؤسسه نشر اسلامی تابع جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ص ۴۰.
- فیض، علی رضا (۱۳۸۶). *مقارنه و تطبیق در حقوق عمومی اسلام*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۵). *الاصول من الکافی*، انتشارات دار الثقلین، ج ۱، ص ۱۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *مسئولیت مدنی*، تهران انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول چاپ یازدهم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۰). *حقوق جزای عمومی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم، جلد اول.
- لنکرانی، محمدفاضل (۱۴۱۲ق). *تفصیل الشریعه* (کتاب الحجر)، موسسه چاپ و نشر عروج، ص ۳۱۷.
- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۶). *ترمینولوژی حقوقی*، تهران، انتشارات ابن سینا. شماره ۱۳۵۶، شماره ۵۱۱۱۴.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۳۷ق). *قواعد الاحکام*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ج ۲، ص ۱۳۴.
- محقق حلی، (۱۴۰۷ق). *شرايع الاسلام*، چاپ مؤسسه اسماعیلیان، قم با تصحیح عبدالحسین محمد علی بقال، ج ۲، ص ۸۵.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۱۱ق). *اصول الفقه*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۲، ص ۱۷۸.
- مقداد، فاضل (۱۴۳۳ق). *کنز العرفان فی القرآن*، ترجمه عباس زراعت، کاشان، انتشارات قانون مدار، جلد ۲، چاپ اول.
- مقدس اردبیلی (۱۴۰۲ق). *مجمع الفائده والبرهان*، جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم، ج ۹، ص ۲۰۶.
- نجفی، محمدالحسن (۱۴۰۰ق). *جواهر کلام فی شرح شرايع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، جلد ۲۱ و ۳۲.
- نجیب حسینی، محمود (۱۳۹۴ق). *شرح قانون العقوبات*، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، جلد اول.
- نوربها، رضا (۱۳۷۸). *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات دادآفرین، چاپ یازدهم.

مقالات فارسی

- اصغری، محمد (۱۳۸۴). *بنا عقلا*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۷۰، ص ۹.
- انصاری، علی (۱۳۹۰). *نظریه قابلیت انتساب در حقوق مدنی فرانسه*، پژوهش حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۱.
- پاک نهاد، امیر، (۱۳۸۵). *رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزه کاری اطفال*، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۹.
- جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۶). *جایگاه قیاس در منابع اجتهاد*، مجله کیهان اندیشه، شماره ۲۶.
- رزاقی آذر، مریم، و دیگران (۱۳۸۵). *سن بلوغ در دختران و پسران تهرانی*، مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران شماره ۵۰.
- رهامی، محسن (۱۳۸۱). *رشد جزایی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۸، ص ۱۹۲-۱۹۱.
- سواد کوهی فر، سام، کاظمی، سید علی (۱۳۸۸). *مسئولیت کیفری تدریجی دختران*، مجله مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- فرخ نیا، رحیم (۱۳۸۳). *بررسی فرایند بلوغ در دختران شهر اراک از دیدگاه انسان شناسی*، مجله نامه انسان شناسی، دوره اول، شماره ۵.

محمد بیکی، علیرضا و اسدی، حبیبی و الهویی، نوید (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، شماره ۸.

محمّدی، قاسم، (۱۳۸۳). رشد عقلانی و حقوق جنایی، فصل‌نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۴.

مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۷۱). سن بلوغ، مرکز تحقیقات علوم اسلامی.

_____، _____ (۱۳۸۶). بزه‌کاری اطفال در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری

_____، _____ (۱۳۷۹). نظارت فقهی و حقوقی در خصوص بلوغ و رشد، ماهنامه دادرسی، سال چهارم شماره ۲۱.

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۸). مقایسه حقوق کیفری ایران و فرانسه با کنوانسیون حقوق کودک، سال سوم، شماره سوم.

نجفی توانا، علی (۱۳۸۴). سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین‌المللی، فصل‌نامه علوم اجتماعی.

نعمی، لیل (۱۳۸۲). مسئولیت کیفری اطفال از دیدگاه مکاتب مختلف، ندای صادق، سال هشتم، شماره ۳۲.

هاشمی، سید حسین (۱۳۸۳). دختران سن رشد و مسئولیت کیفری، کتاب زنان، سال ششم، شماره ۱ و ۲۳.

The Holy Quran

Al-Thaaabi, Abi Mansur (1992). Jurisprudence of Language, Dar al-Kitab al-Ilmiyah. Qom. (In Arabic)

Ahadi, Hassan, Shokoh al-Sadat, Bani Jamali (2011). Psychology of Development, Qom, Bakhshaysh Publishing House, First Edition. (In Persian)

Ardebili, Mohammad Ali (2007). General Criminal Law 1, Tehran, Mizan Publishing House, 18th Edition. (In Persian)

Rouhani, Hassan, Mehrbour, Hossein (2012). Age of Competence and Legal Responsibility, Tehran, Strategic Research Center, First Edition. (In Persian)

Ziraat, Abbas (2006). General Criminal Law, Tehran, Qognos Publishing House, Volume 1, First Edition. (In Arabic)

Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali (1991). Masalak al-Afham, Al-Ma'arif al-Islamiyyah Foundation, Qom, Volume 5, p. 161 (In Arabic)

Al-Tusi, Abi Ja'far Muhammad bin al-Hassan (1995). Al-Istibsar, Qom, Jurisprudence Center Library, Volume 4. (In Arabic)

Allamah Helli, Hassan bin Yusuf (1999). Tahrir al-Ahkam, Imam Sadiq (AS) Institute, Qom, Volume 2, p. 242 (In Arabic)

Fadel Hindi, Muhammad bin Hassan (1996). Kashf al-Latsham, Islamic Publishing Institute affiliated with the Qom Seminary Teachers Association, Volume 2, p. 40 (In Arabic)

Fayez, Ali Reza (2007). Comparison and adaptation in general Islamic law, Tehran, Printing and Publishing Organization, first edition. (In Arabic)

Kulaini, Muhammad bin Yaqub, (2014), Al-Asul min al-Kafi, Dar al-Thaqlain Publishing, Volume 1, p. 10 (In Persian)

Katouzian, Nasser (2011). Civil liability, Tehran, Tehran University Press, Volume 1, 11th edition. (In Persian)

Golduzian, Iraj (2011). General criminal law of Iran, Tehran, Tehran University Press, 12th edition, Volume 1. (In Persian)

Lankarani, Mohammad Fadel (1991). Ta'dasht al-Shari'ah (Book of Al-Hijr), Oruj Publishing and Publishing Institute, p. 317. (In Arabic)

Langrudi, Mohammad Ja'far (1977). Legal Terminology, Tehran, Ibn Sina Publications. 1356, No. 51114. (In Persian)

_____, _____ (2015). Qawa'd al-Ahkam, Islamic Publications Office affiliated with the Madrasain Society, Qom, vol. 2, p. 134. (In Persian)

Mohaqqiq Hilli, (1986). Sharay' al-Islam, Ismaili Institute Publishing, Qom, corrected by Abdul-Hossein Mohammad Ali Beqqal, vol. 2, p. 85. (In Arabic)

Mozaffar, Mohammad Reza (1990). Usul al-Fiqh, Islamic Propagation Office Publishing Center, Qom Seminary, vol. 2, p. 178 (In Arabic)

Miqdad, Fazel (2011). Kanz al-Irfan fi al-Qur'an, translated by Abbas Ziraat, Kashan, Qanun-Madar Publications, vol. 2, first edition. (In Arabic)

Moghaddas Ardebili (1981). Majma' al-Fayda wal-Burhan, Jamia al-Modaresin, Qom Seminary, Vol. 9, p. 206 (In Arabic)

Najafi, Muhammad al-Hassan (1979 AH). Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharay' al-Islam, Beirut, Dar Ihya al-Turat al-Arab, vols. 21 and 32. (In Arabic)

Najib Hosseini, Mahmoud (194 AH). Sharh al-Kun al-Kun al-Kun al-Kun al-Halabi al-Huqoqiya, Beirut, Manshurat al-Halabi al-Huqoqiya, vol. 1. (In Arabic)

Noorbaha, Reza (1999). The Field of General Criminal Law, Tehran, Dad-Afarin Publications, 11th edition.

Persian articles

Asghari, Mohammad (2005). Bana Aqla, Journal of the Faculty of Law and Political Science (University of Tehran), No. 70, p. 9

Ansari, Ali (2011). The Theory of Attribution in French Civil Law, Comparative Law Research, Volume 15, No. 1.

Pak-Nahad, Amir, (2006). A New Approach of English Law to Juvenile Delinquency, Specialized Journal of Theology and Law, No. 19.

Jannati, Mohammad Ebrahim (2007). The Position of Comparison in the Sources of Ijtihad, Kayhan Andisheh Magazine, No. 26

Razzaghi-Azar, Maryam, and Others (2006). Puberty in Tehrani Girls and Boys, Journal of Iran University of Medical Sciences, No. 50.

Rahami, Mohsen (2002). Criminal Development, Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, No. 58, p. 192-191

Savadkouhifar, Sam, Kazemi, Seyed Ali (2009). Gradual Criminal Responsibility of Girls, Journal of Strategic Studies of Women, Year 12, Issue 45.

Farakhnia, Rahim (2004). Study of the Puberty Process in Girls of Arak City from an Anthropological Perspective, Journal of Anthropology, Volume 1, Issue 5.

Mohammad Beiki, Alireza and Asadi, Habibi and El-Havi, Navid (2002). Comparative Study of Criminal Responsibility of Children and Adolescents in the Islamic Penal Code Approved in 1375 and 1392, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies of Jurisprudence, Issue 8.

Mohammadi, Qasem, (2004). Intellectual Development and Criminal Law, Quarterly Journal of Imam Sadeq University Research, Issue 24.

Marashi, Seyyed Mohammad Hassan (2008). Puberty Age, Islamic Sciences Research Center.

_____, _____ (2007). Juvenile Delinquency in Iranian Law, Journal of Justice Law

_____, _____ (2000). Jurisprudential and legal supervision regarding puberty and growth, Monthly Court Journal, Year 4, No. 21.

Mousavi Bojnourdi, Seyed Mohammad (2009). Comparison of Iranian and French criminal laws with the Convention on the Rights of the Child, Year 3, No. 3.

Najafi Tavana, Ali (2005). Age of criminal responsibility of children in domestic and international law regulations, Quarterly Journal of Social Sciences.

Naimi, Leila (2003). Criminal responsibility of children from the perspective of different schools, Nedaye Sadeq, Year 8, No. 32.

Hashemi, Seyed Hossein (2004). Girls of puberty and criminal responsibility, Women's Book, Year 6, No. 1 and 23.